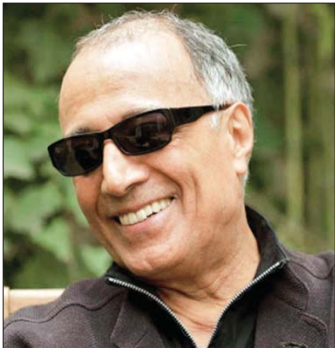


یادداشت

در مراسم بزرگداشت عباس کیارستمی

بیابید از او قدیس نسازیم



● **گروه هنر**: مراسم بزرگداشت عباس کیارستمی، جمعه‌شب اول تیرماه به مناسبت سالروز تولدش با حضور شهرام کریمی، هنرمند نقاش، فریبرز عرب‌نیا، بازیگر، سیروس ابراهیم‌زاده، نویسنده و کارگردان، نادر مشایخی، آهنگ‌ساز و جمعی از علاقه‌مندان به هنر در مؤسسه سکو برگزار شد.

شهرام کریمی در ابتدای این نشست گفت: هنر کیارستمی در قالب خاصی نمی‌گنجد، چون او از هنرمندانی بود که فلسفه و جهان‌بینی خاصی دارند و آن را در قالب هر مدیایی که باشد بیان می‌کنند. می‌توان ساعت‌ها درباره عکس‌های کیارستمی صحبت کرد، اما درواقع بهتر است از فلسفه او صحبت کنیم تا از همه کارهای او سر درپیوریم.

سلیمانی، دوست و همراه کیارستمی در ژان، نیز در این مراسم گفت: فیلم «خانه دوست کجاست» روی من تأثیر زیادی داشت. در آن جلسه نمایش فیلم، مدیر برنامه‌های اکبرو کوروسواو برای نمایش آمده بود. از او درخواست کردم که فیلم را برای کوروسواو ببرد. دو روز بعد از طرف کوروسواو یک فکس با خط درشت برایم آمد که روی آن نوشته بود که بعد از مرگ جی در هندوستان از خدا برگشتم. تا وقتی این فیلم را از یک فیلم‌ساز ناشاس دیدم و به خدا گفتم معذرت می‌خواهم؛ تو به جای جی، یک نفر دیگر را آفریده بودی و من خبر نداشتم.

در این مراسم فریبرز عرب‌نیا نیز گفت: در کتاب «وقتی که نیچه گریست» عنوان می‌کند که نیچه مانند فروید نگاهی چون باز شکاری دقیق و موشکاف دارد. این درباره عباس کیارستمی هم صدق می‌کند. در زندگی چندباری وی را دیدم و به‌عنوان علاقه‌مند متوجه شدم که او مانند کوه بچ است و تنها بخشی از او را می‌توان دید. هربار چیز تازه‌ای از او می‌فهمیدی، برای همین حضور او در تعریف نمی‌گنجید.

او با ذکر خاطراتی توضیح داد: سال‌ها قبل در خانه‌ای زندگی می‌کردم و کیارستمی مهمان همسایه طبقه پایین بود. همسایه منزل نبود و من در را باز کردم. با کیارستمی چندقیقه‌ای حرف زدم و او را به حیاط خانه راهنمایی کردم. با وجود اصرارم، به دلیل اینکه مهمان داشتم، به منزل نایم. به‌هرحال ما در مهمانی موسیقی هم داشتیم. برخورد ما در همین حد بود. بعدها همسایه‌مان گفت که به کیارستمی گفته من قصد فیلم‌سازی دارم و گفته بود که قرار است در فیلمم، همسرم، مرحوم بدیعی، بازی کند. کیارستمی به او گفته بود که این آدم باید فیلم مردانه بسازد و بازی کند. بعدا هم خودش از تهیه‌کننده خواسته بود که فیلم مرا به او نشان بدهد که این توجه برایم بسیار ارزشمند بود.

عرب‌نیا گفت: فضای فیلم‌هایی که من بازی کردم و علاقم شاید با سینمای کیارستمی متفاوت باشد، ولی او در آن دیدار کوتاه در حیاط منزل، مانند یک باز شکاری مرا فهمیده و متوجه شده بود که من به درد چه فضایی می‌خورم. هیچ‌کس به‌جز او این‌ موضوع را به من نگفت. حتی در حوزه‌هایی که حوزه کارشناسی او نبود، از هر کارشناسی دقیق‌تر بود.

او همچنین گفت: جامعه هنری ما خودراری است و با احترام به سایر هنرمندان باید بگویم که کیارستمی جزء سه هنرمند دموکرات این کشور بود. کیارستمی اصلا و ابدا اهل قضاوت نبود. او متین و باهوش و به معنی واقعی کلمه آزاداندیش بود.

در ادامه این نشست، سیروس ابراهیم‌زاده نیز گفت: وقتی درباره کیارستمی حرف می‌زیم، باید به این سؤال پاسخ بدهیم که چرا برخی از هنرمندان جهانی می‌شوند. شاگردان هر هنری هدفشان این بوده که شبیه استاد خودشان باشند. کیارستمی متعلق به آن تعداد بسیار اندکی از انسان‌ها نیست که به منحصربه‌فردبودن و به فردیت انسان به‌شدت علاقه‌مند بود. همیشه دوست داشت که خودش باشد، بی‌آنکه تحت‌تأثیر کلیت‌های جهان باشد.

ابراهیم‌زاده از سخنان خودش نتیجه گرفت: جایگاه کیارستمی بسیار ارزشمند است، اما بیابید از او قدیس درست نکنیم. بیابید وقتی درباره او با تمام مهارت‌ها و مرگ غم‌انگیزش صحبت می‌کنیم، او را نقد کنیم. دوست داشتم در این جلسه درباره افت‌وخیزهای کیارستمی صحبت شود و نه تنها او‌حی‌هاى او. این به شخصیت کیارستمی هم نزدیک‌تر است.

سهراب هادی: استاد علی‌اصغر پتگر با دیدی وسیع و آموزش رفتارهای هنرمندانه نقش اجتماعی و تأثیر وضعی استواری بر تداوم نقاشی اصیل ایران تا امروز داشته است.

نامی پتگر، درحالی‌که آموزش تحلیل هنر و تاریخ اجتماعی هنر را در محیط‌های آکادمیک عهده‌دار بود، برای پرداختن به خویشین هنرمندانه‌اش نگاهی عمیق‌تر را به اجتماع و طبیعت ایران معطوف داشت.

اصغر پتگر، پس از گذراندن دوران آموزش‌های اولیه و متوسطه، برای هنرآموزی حرفه‌ای در سال ۱۳۰۷ وارد مدرسه صنایع مستظرفه آذربایجان می‌شود تا تحت نظر استاد میرم‌صوّر ازرنگی به تعلیم نقاشی و فراگیری اصول هنرهای تجسمی بپردازد.

این اتفاق، سرآغاز تحولی است نوین در هنر نقاشی معاصر ایران و نیز نقطه عطفی است در مسیر زندگی استاد اصغر پتگر، بزرگ خاندان و اول هنرمند خانواده پتگرها. استاد اصغر پتگر در سال ۱۳۱۲ برای آموزش‌های پایه و فراگیری اصول نوین در هنر نقاشی به اتفاق برادرش «جعفر پتگر» از آذربایجان به تهران مهاجرت می‌کند و در سال ۱۳۱۳ در مدرسه صنایع جدید که مبانی هنر نقاشی را شاگردان طراز اول استاد کمال‌الملک آموزش می‌دادند، ثبت‌نام می‌کند. وی پیش از این نیز، به فراگیری اصول نگارگری در مدرسه صنایع قدیم که زیر نظر استاد طاهرزاده بهزاد اداره می‌شد، همت گماشته بود.

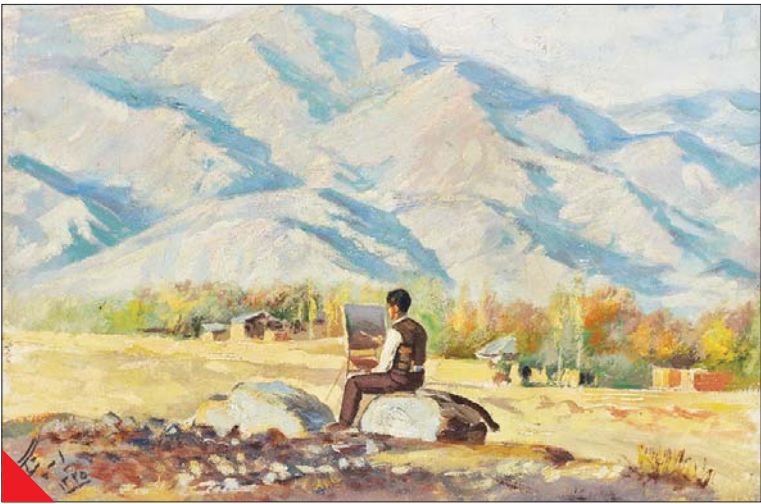
این آموزش‌ها و بهره‌گیری از اصول و فنون هنر قدیم و معاصر ایران، استاد اصغر پتگر را بر آن می‌دارد تا در نگاه به پیرامون و موضوعات، نگاهی نافذ و دیدی منتقدانه را در آثارش خلق کند؛ به‌عبارتی دیگر می‌توان استاد اصغر پتگر را از سرشاخه‌های تفکر و روش‌های نوین آموزش استاد کمال‌الملک دانست. اما، با نگاهی متفاوت و خاص، رئالیسم‌های اجتماعی و نگاه‌های منتقدانه به پیرامون، موضوع نقاشی‌های استاد اصغر پتگر هستند که در بسیاری از آثارش همچنان به بیان این مفاهیم پرداخته است. در سال ۱۳۱۶ استاد اصغر پتگر و برادرش استاد جعفر پتگر که پس از گذراندن دوره‌های مهارت‌آموزی به موقعیت تدریس در هنر نقاشی رسیده بودند، به‌علت شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی ادامه آموزش‌ها را رها کرده و به تعلیم نقاشی برای کسب معاش می‌پردازند و در همین سال‌هاست که این دو برادر نام خانوادگی خود را از برادران «اکبری» به «پتگر» تغییر می‌دهند و تخلص‌هایی مانند «الف – پتگر» و «ج – پتگر» مبنایی می‌شوند در ایجاد اصولی نو و سبکی تازه در تداوم اصول و مکتب نقاشی کمال‌الملک در هنر معاصر ایران.

خیابان منوچهری در مجاورت و تقاطع خیابان لاله‌زار در آن ایام به گونه‌ای مرکز و پاتوق «هنرمندان»، «نویسندگان»، «اهالی سینما» و در واقع مهد بروز هنر‌ها بوده است و پتگرها نیز آتلیه‌ای را در خیابان منوچهری تأسیس می‌کنند و به امر آموزش هنر نقاشی اهتمام می‌ورزند تا از این طریق به معیشت خویش نیز پرداخته باشند. اصغر پتگر در سال ۱۳۲۳ با «ایراندخت ستوده» ازدواج می‌کند و از این ازدواج در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۴ دو پسر

هنر

دیدار با آثارو خاندان پتگر در گالری سلام

نگاهی عمیق به طبیعت



پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

پتگر

برای تحصیل در هنر معاصر و با درگذشت مادرش بانو «ایراندخت ستوده» به ایران برگشته و زندگی بسیار خلوت و خصوصی خویش را آغاز می‌کند و این‌گونه است که تمام موضوع نقاشی‌هایش در تأثیر از دو واقعه بزرگ مرگ «مادر» و «پدرش» استاد اصغر پتگر در هفدهم اردیبهشت ۱۳۷۱ از او فردی کاملاً درون‌گرا می‌سازد و به خلق آثاری می‌پردازد که همگی فرم‌هایی هستند از نگاهی مبهوت به پیرامون خویش و در این هاله حیرت است که او نیز در پنجم فروردین ۱۳۴۹ با مرگی نابهنگام‌تر، جامعه هنری ایران را به حیرتی بزرگ‌تر می‌برد!! و به این شکل صاحب حضور خاندان هنرمند پتگر با اهمیتی بلند، موجب آن می‌شود تا روایت‌های اجتماعی-فرهنگی و پیشینه هنرهای کلاسیک ایران را که بزرگ‌مردی مانند استاد کمال‌الملک آفریده بود، با این شیوه به تداوم و حیاتی نو برساند که مقطعی ماندگار از تاریخ هنر ایران است!

در کارهای استاد اصغر پتگر، «عنصر زیبایی»، «طبیعت»، «زن»، «کودک»، «خانواده»، «رنگ»، «نور»، «پرسپکتیو»، «جغرافیای ایران» و مضامین زندگی عصر او و صورت‌های خسته و آفتاب‌خورده مردمان سرزمین ایران و کودکان شاد و بانشاط این مُلک، نگاه و آثار او را شکل معنایی و تجسمی داده‌اند! مردها، در آثار استاد اصغر پتگر، تکت‌چهره‌اند و استوار و با همت و زنان به «پاکیزگی»، «زیبایی» و «نورانیت» نزدیک‌اند. مردها در محیط‌های اجتماعی، کار و فعالیت هستند و زنان در بیشتر آثار استاد اصغر پتگر، مقام بزرگ، ارج و شوکت مادرانه و حالت قهرمانی و زیبایی دارند!

آثار استاد جعفر پتگر، «مضامین اجتماعی»، «سیاسی»، «حقیقت»، «زشتی»، «بی‌اعتباری‌های اجتماعی» و «پلیدی‌های بسیار» مانند «ریا» را به مخاطب یادآور می‌شوند و کارهایش در ابعاد بزرگ‌تر و بیشتر خلاصه‌گویی‌هایی هستند از مضامین بزرگ و شگرف.

درباره تکنیک کارهای استاد جعفر پتگر نیز می‌توان گفت که از پس و پیش یک دوره تجربه و خلاقیّت‌های رئالیسم اجتماعی به دوره‌ای از کارهای سوررئال خود رسیده است که به عبارتی شبیه به موضوعات فرآیندیشه‌های عینی و اجتماعی هستند!! هنگام تماشای آثار استاد نامی پتگر، در آغاز، مرد قدرتمند نقاشی را می‌بینی که استوار است و قلم در دست اوست و در کنارش پرت‌های دیگر از نقاش که دنبال معنا و محتوای انسان است و آن چیز دیگری است که او را استوارتر می‌شناساند! تصویرهای ناتووال زبانی هستند که در پیرامونش، هرکدام از آنها، در نقاشی با مخاطب این‌گونه که نقاش خواسته است، به تصویرهای هنرمندانه از معنای زن در هستی‌شناسی نقاش صورت خیالی پذیرفته‌اند! در نقاشی‌های نیما پتگر، تنظیم دقیق نگاه‌ها، عناصر بصری متمرکز آثار او هستند؛ اما تکت‌پرت‌هایش که در هیاهو و شلوغی‌های شهر تهران از او به جای مانده‌اند، مرکزیت‌گرایی نگاه‌ها در صورت‌ها هستند! که بیانگر تحیر و حیرت انسان‌های عصر اوست و در آن حیرت فرورفته‌اند! که بیان تنهایی‌ها و انزوای ناخواسته انسان‌هاست.!

اکنون تمام این تیزبینی‌ها و این اننامی‌ها در این نمایشگاه می‌توانند سؤال‌هایی بی‌پاسخ باشند.!!!

رونق سالن‌های سینما در روزهای نمایش فوتبال

«تکراس» به کارگردانی مسعود اطیابی با داشتن ۸۲ سالن سینمایی در تهران و شهرستان‌ها، ۱۰ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان فروش داشته است. «خجالت‌کش» به کارگردانی رضا مقصودی، با داشتن ۱۱۰ سالن سینمایی در تهران و شهرستان‌ها تاکنون سه میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان فروش



داشته است.

فیلم سینمایی «عصبانی نیستم» به کارگردانی رضا درمیشیان با دراختیارداشتن ۴۳ سالن سینمایی، سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان فروش داشته است و فیلم سینمایی «دلَم می‌خواد» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا که به‌تازگی به اکران رسیده، با اکران در ۷۶ سالن سینمایی، ۶۹۰ میلیون تومان در حدود ۱۰ روز از شروع اکرانش فروش

داشته است. «در وجه حامل» به کارگردانی بهمن کامیار که از ۲۳ خردادماه اکران آن آغاز شده، تاکنون ۸۰ میلیون تومان فروش داشته است. «در وجه حامل» اکنون در ۱۷ سالن سینمایی در تهران و شهرستان‌ها سینمایی در شهرستان‌ها نمایش داده می‌شود.

زیر آسمان فیروزهای

نقد و بررسی «آنسوی آتش» کیانوش عیاری با حضور فیلم‌ساز



● فیلم «آنسوی آتش»، ساخته کیانوش عیاری، با حضور خود او، شنبه هفته آینده (نهم تیر) در کارگاه فیلم سینما- چشم پخش و نقد و بررسی می‌شود. عیاری درباره این فیلم خود گفته است: «برخی می‌گفتند یک فیلم‌ساز اهوازی به‌جای پرداختن به موضوع جنگ، به سراغ موضوعی بی‌ربط در دهه ۵۰ رفته است. باید بگویم به موضوعی پرداختم که از جنگ کم‌اهمیت‌تر نبود و شاید خود یکی از زیربناهای جنگ به‌شمار می‌رفت. من در شهری متولد شدم که بوی شیرین نفت در آن احساس می‌شد و هسته آن ثروت و پوسته آن فقر بود. مگر می‌شد چنین مسائلی را ندید و صرفاً به جنگ پرداخت؟ ضمن اینکه خود جنگ با این تضاد عمیق در ایران بی‌ارتباط نبود. من در دهه ۵۰ شاهد بودم که چگونه اطراف این شعله‌های آتش به محلی برای خوش‌گذرانی مردم تبدیل شده بود و به این می‌انداخیدیم که تنها سهم مردم خوزستان از ثروتی که زیر پایشان بود همین نور شعله‌های آتش است، در سال ۱۳۵۰ نیز فیلمی هشت‌میلی‌متری و کوتاه به همین اسم؛ یعنی «آنسوی آتش» ساختم و در سال ۶۵ به مجددا چنین فیلمی ساختم، عده‌ای گمان بردند که قصد تکرار همان فیلم را دارم». جلسه پخش و نقد و بررسی «آنسوی آتش» روز شنبه، نهم تیر، ساعت ۱۵ در کارگاه سینما- چشم به نشانی خیابان پاسداران، گلستان دوم، پلاک ۱۲۰ برگزار می‌شود.

بزرگداشت آشوری در نگاه نو

● داریوش آشوری در آستانه ۸۰ سالگی قرار دارد و شماره جدید «نگاه نو» درباره این اندیشمند ایرانی ویژه‌نامه‌ای منتشر کرده است. مرور کارنامه داریوش آشوری ما را از منظر دیگری با او آشنا می‌کند. امید روحانی با او گفت‌وگویی انجام داده و درباره وظیفه روشنفکری، روشنگری و آزادی از او پرسیده است. غلامحسین صدری افشار درباره واژه‌سازی آشوری نوشته و محمد غفاری درباره کین‌توزی روشنفکری ایرانی نوشته است. حسین معصومی‌همدانی او را روشنفکر تک‌رو دانسته است. اما در بخش‌های دیگر درباره مرگ استیون هاوکینگ- جدال ۵۵ ساله با مرگ- ف نقش تنفعی‌شاه قاجار در روند و نهادهای مذهبی نوشته شده است. شعرهای یاروسلاو سایفرت با ترجمه پرویز دویلی و یادی از داریوش شایگان و میلوش فورمن و عباس کیارستمی که در چنین روزهایی چندین سال پیش درگذشته‌اند، نیز شده است. نگاه نو، شماره ۱۱۷، ۲۶۰ صفحه و با قیمت ۲۱ هزار تومان به سردبیری و مدیرمسئولی علی میرزایی منتشر شده است.

اولین دوره جایزه ارغوان برگزیدگان را شناخت

● **گروه هنر**: مراسم اختتامیه اولین دوره جایزه ارغوان، عصر پنجشنبه، ۳۱ خرداد ۹۷، با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و هنر در تالار شهناز خانه هنرمندان برگزار شد. اجرای این مراسم را پژمان بازغی برعهده داشت که پس از خوشامدگویی به حاضران، از مجید رجبی‌معمار، مدیرعامل خانه هنرمندان، دعوت کرد تا پشت تریبون بیاید. رجبی‌معمار هم گفت: برای ما باعث افتخار است که در محفلی که کارش کشف استعدادهای نوظهور در ادبیات و هنر است میزبانیم. سپس از اعضای هیئت انتخاب دعوت شد تا روی صحنه بیایند و لوح تقدیر نفرات چهارم تا دهم را که اسامی زیر بودند ادا کنند: جایگاه چهارم زهرا زروانی، جایگاه پنجم زهرا گودرزی، جایگاه ششم آقای کیان درجزی، جایگاه هفتم عباس سعیدی، جایگاه هشتم سیدرضا رادجو، جایگاه نهم فائزه مروزی و جایگاه دهم فاطمه جعفری». به این اسامی علاوه‌بر لوح تقدیر و چاپ داستان در مجموعه برگزیده، چند کتاب داستان از سوی نشر مرکز و یک دوره رایگان کارگاه داستان‌نویسی از سوی مؤسسه این‌جا نیز ادا شد. پس از این به بهانه سالروز تولد عباس کیارستمی، سیف‌الله صمدیان و علی‌اکبر صادقی در بزرگداشت او سخنانی گفتند. سپس احمد پوری به‌عنوان نماینده هیئت داوران پشت تریبون آمد و گفت: از فاکتر می‌پرسند چرا می‌نویسی؟ مکنی می‌کنی و می‌گوید شاید می‌خواهم روی دیوار زمان بنویسم، این یادگار من است. بعضی‌ها می‌گویند برایم مخاطب مهم نیست، من برای خودم می‌نویسم، اینها با آگاهانه دروغ می‌گویند یا ناآگاهانه. نوشتن روی کاغذ آغاز ارتباط با مخاطب است. امیدوارم شما جوانانی که ما داستان‌هایتان را خواندیم هم راه ارتباط با مخاطب را پیدا کرده باشید. پس از آن، دیگر اعضای هیئت داوران هم روی صحنه آمدند و جوایز نفرات اول تا سوم را دادند: «جایگاه اول گلرخ جلالوندی، جایگاه دوم متینه ایقانی و جایگاه سوم حسین خاموشی جوزقانی». جایزه نفرات دوم و سوم پنج‌میلیون ریال جایزه نقدی و جایزه نفر اول هم ۲۰میلیون ریال جایزه نقدی به‌علاوه تندیس بود.